



اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شهادت قهرمانانه رفیق مرتضی میثمی و رفیق منصور پورجم

هم میهنان گرامی!

مردم بیباک و ورزنده ایران!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با انزاجا ربیکران ارتشکا ربهیا ای حکام مرتجع جمهوری اسلامی به اطلاع میرساند که دو کادر برجسته و گرانقدر جنبش انقلابی ایران، فدائیان، راستین خلق رفیق منصور پورجم عضو کمیته یالتی خوزستان و رفیق مرتضی میثمی دبیر کمیته ناحیه ای شرق تهران در زندان اوین بدست دژخیمان رژیم به شهادت رسیدند.

ما موران رژیم با کابرست انواع شکنجه های جسمی و روانی تلاش کردند تا رفتار آزادیخواهان و بشکنند و تسلیم مقاصد شوم خود کنند. اما مقاومست قهرمانان نه رفقا همه تلاشهای دژخیمان را با شکست مواجه کرد. آنان سر بلند ایستادند و تسلیم نشدند. دژخیمان وحشیانه به انتقام روی آوردند. رفقا مرتضی میثمی و منصور پورجم را بر سر زنجیر و شکنجه ها به شهادت رساندند و از بیم شمسای مردم زحمتکش حتی از درج خیر این جنایت فجیع در مطبوعات حتی جلوگیری کردند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بخاطره تابناک و همیشه جاویدان رفقا منصور پورجم و مرتضی میثمی درود میبرد و بدو به خانواده و بستگان رفقای شهید تسلیمت میگوید. کمیته مرکزی ایستادگی دلیرانه و حماسی رفقا پورجم و میثمی را ایستادگی و وفاداری سازمان را به مؤختن از ایمان انقلابی و وفاداری عمیق آنان به راه و آرمان زحمتکشان، بسنرا همه ما را زورپراختار فدائیان خلق فرا میخواند. در این خون چکان لحظه های پراز عشق و کین عهدی میثمی که موران رژیم به او اوارانها، همجون جزئیها و گلشرفها، همچون حمید اشرف ها و دیگر شهدا مان تا آخرین نفس با ایثار همه هستی مان به راه خلقها مان وفادار باشیم. عالمتبرین آرزوی ماست که رهروان صدیق و پاکبازان رفته مان با هم میهنان عزیز!

سران رژیم جمهوری اسلامی از این جنایات شیطانی دست بردار نیستند. آنها که راه خیانت به شما و انقلاب شما را طی میکنند میخواهند صدای اعتراض و مبارزه شما علیه این خیانت بزرگ را خاموش کنند. آنها که در راه حمایت از سرمایه داران بزرگ و خانها و فئودالها و در راه سازش با بقیه در صفحه ۳

اعتراض مردم، ایستادگی زندانیان سیاسی و فریکاری های رژیم

بنابر اعلام مسئولین رژیم سران جمهوری اسلامی هیات تازه ای متشکل از حکام شرع و مسئولین قضایی راه منظور رسیدگی بوضع زندانیان تشکیل داده اند. در ترکیب هیات تازه چه سره منفوری نظیر آیت الله محمدی کیلانی حاکم شرع اوین حضور دارند. نظرات و اقدامات این هیات درباره زندانیان بر پایه نظرات با روحیان روسای زندانها و حکام شرع، یعنی حیانتکارانی نظیر کیلانی ولاجوردی، استوار است. حضور حیانتکارانی نظیر کیلانی که با حکم آنها هزاران نفر از زندانیان زیر شکنجه و سایر در برابر جوخه های اغدام به شهادت رسیده اند اقدامات آنها خود مظهر تسهکاربهای رژیم علیه زندانیان سیاسی است و عوافرینی سران خائن جمهوری اسلامی را برملا میکند.

بدستور همین آقایان و قبل از همه شخص آیت الله خمینی است که دهها هزار نفر از مبارزان راه استقلال و آزادی و از مردم مبارز کوچجه و با زار در سیاهلای رژیم به بند کشیده شده اند. اکنون نیز سران رژیم در راه سرکوب آزادیخواهان ایران، احزاب و سازمانهای مترقی ایران و مبارزات مردم مدبوحا تلاش میکنند و مرتکب جنایات بی شمار میشوند. اما آنها با تشدید رودروشی مردم و با افشاکگری گسترده و ایستادگی احزاب و سازمانهای مترقی ایران و مقاومت حماسی زندانیان و اعتراض در حال گسترش محافل و نیروهای دموکراتیک جهان و سرور و خنده اند. هدف جاوروخناهای اخیر سران رژیم پیرامون زندانیان هم کاهش فشار مردم و نیروهای دموکراتیک ایران و جهان است. سران رژیم خیال میکنند که با سرکوب مردم و نیروهای دموکراتیک ایران به همه بقیه در صفحه ۵

نقش و ضرورت هسته های مخفی کارگری

نیروی طبقه کارگر در تکوین انقلاب و پیروزی آن نقش قطعی داشته در دوران پس از آن، طبقه کارگر جمهوری اسلامی در برابر امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی و سازشکار حمایت میکند. محاصره اقتصادی امپریالیسم و اصلاحگری ارتجاع و نیروهای سازشکار در تولید رابیسای افزایش تولید غنشی می نمود. در دوران گسترش انقلاب در مبارزه همه اقشار خلق برای تحقیق آماجهای مشترک فعلا نه شرکت داشت و گسترش این مبارزه را در تنظیم و طرح مطالبات خود منعکس میکند.

کارگران ستون انقلاب بهمن بودند. در حفظ انقلاب و گسترش آن نقش قطعی داشتند. رهبران رژیم هم، آری زمان که هنوز به آماجهای انقلابی خیانت کرده بودند، نالین حقیقت اعتراف میکردند. اما با تغییر سیاست و سمت گیری رژیم هیست حاکمه فداکارهای عظیم بوده کارگران رانان دیده میگردد و به تنهایی مطالبات بحق آنان را برآورده نمیکند. بلکه مبارزات کارگران را با خشونت سرکوب میکنند. چرخش هیات حاکمه بر راست و تشدید اقدام مقابلت با مبارزات کارگران، کارگران را در برابر شرایط متفاوت با گذشته قرار داده است. در حال کارگری ایران این واقعیت که حکومت در جهت کلان سرمایه داران قرار گرفته است و از آن سکر به روی کارگران شلیک میکند با وضوح هر چه بیشتر گری پذیرفته میشود. در این محافل هیات جنبش کارگری توده کارگران را دعوت میکنند که در مبارزات جاری، بر نیروی عظیم خود متکی شوند. تجربه جنبش قانون کار در زیر کشیدن توکلی وزارت و در کنار ردن قانون کار ارتجاعی او و رد پیش نویس ارتجاعی جدید و نیز تجربیات عملی مبارزات اخیر، توده کارگران را بیشتر قانع کرده است که راه نجات آنها در وحدت و تشکیلات است. در محیط های کارگری این فکر که راه خروج از وضع فلاکت یار کنونی عمل مستقل کارگران تحت رهبری تشکیل مستقل آنان است، نفوذ عمیقاً روز افزون مییابد. رسوخ این اندیشه در لایه های مختلف کارگری نیروی آنان را برای مبارزه آزاد میکند و نیروهای تازه و نازتری از کارگران را بصوف جنبش کارگری سازمان میدهد. تقویت دائمی جنبش کارگری بسای نیروهای تازه موجب آن شده است که سیاست سرکوب هیات حاکمه به نتایج دلخواه او منجر نشود و حکومت در جلوگیری از گسترش دامنه توده ای مبارزه عاجز بماند. این واقعیت که تنها در شش ماه اول سال جاری حداقل صد مورد اعتصاب کارگری روی داده است نشان دهنده عزم راسخ کارگران به ادامه مبارزه در این شرایط سرکوب و خفقان و درماندگی هیات حاکمه در جلوگیری از گسترش این مبارزه است.

این مبارزه است. در دور جدید مبارزات کارگری، تسایل توده کارگر به حرکات جمعی تر، در سیکارگری روش های موثرتر و مبارزه سازمان یافته تر تقویت شده است. این نیروی عظیم مبارزه را تنها و تنها می توان در سازمانهای عملی و مستقل کارگری سازمان داد و هدایت کرد. کارگران تشکل مستقل کارگری می خواهند تا این سلاح را در دست گیرند و علیه دشمنان خود مبارزه کنند. آرایش و وفاداری کارگران برای ایجاد و حفظ و گسترش تشکل کارگری و برای خارج کردن رهبری تشکلها را بقیه در صفحه ۴

دگرگونی های درونی جمهوری اسلامی

و تاکتیک امپریالیسم

هر روز که می گذرد توجه به دگرگونی های درونی جمهوری اسلامی، در چارچوب نقشه های آمریکا و دیگر امپریالیستها برای بازبینی و بازسازی مواضع از دست رفته شان در ایران اهمیت بیشتری می یابد. اکنون به آسانی میتوان دید که کاخون های سیاست برداری امپریالیستها بیش از هر زمانه سیه ردگیری و بررسی رخ داده در نهادهای حکومتی و مراکز قدرت جمهوری اسلامی مشغول شده اند و غرب با انتظافات پذیرایی بسیار به ای سیاست ها و اقدامات و تبلیغات خود را آنچه "تحولات مثبت در جمهوری اسلامی" می نامد هماهنگ می سازد.

در چند ماه گذشته یک رشته از رویدادها که مهمترین شان دیدار و گفتار از ایران، ودلایحه سترو شده دولتی کردن تجارت خارجی از سوی شورای نگهبان و فرمان برنظین چهارم شهریور خمینی به دفاع از تجارت آزاد و آزادی لگام گسیخته کلان تاجران بودا طمینان امپریالیستها به تدایم و تشکیلیسم سنگینی ارتجاعی حکومت رابیسای افزایش داده است. از این رهگذر در میان ابوزیور ارتجاعی جمهوری اسلامی، آژشاه پرستان مشروط و نا مشروط گرفته تا انبوه رهبران و وزیران معزول و نامعزول نیز شور و هیبت افتاده و جمعی از رخص شمیر دست کشیده و توبه و توبه و توبه می آورند.

پرسش این است که دگرگونی های درونی جمهوری اسلامی در نقشه امپریالیستها برای ایران و در مناسبات آنها با حکومت آیت الله خمینی بطور مشخص چه تغییری پدید آورده است؟ گیش از هر چیز با یادگفت به این پرسش یک با روبروای همیشه نمی توان پاسخ داد. مناسبات متقابل جمهوری اسلامی و سرب همچنان در حال تکوین است و روند تکوین نیز بر سر تا شریع عوامل بسیار گونا گونی قرار دارد. بنا بر این همانگونه که تعیین مضمون و سمت اصلی سیاست های آمریکا و متحدین آن در قبال دگرگونی های جمهوری اسلامی اهمیت دارد، شناخت و محاسبه دقیق مجموعه شرایط و عواملی که بر این سیاست های امپریالیسم تا شریکها گذارند نیز بر اهمیت است.

آنچه امپریالیستها "تحولات مثبت درونی" جمهوری اسلامی "می نامند نه یک یا چند رویداد، بلکه یک روند همه جانبه را شامل می شود. این همان روند ارتجاعی است که به حاکم شدن ارتجاع بر کشور و هجوم برای نابودی همه دستاوردهای انقلاب بهمن و تسهکاربهای کنونی حکومت آیت الله خمینی علیه مردم و میهن انجامید. استقرار استبداد خونین مذهبی و سرکوب آزادیها ی سیاسی و حقوق مردمی، هجوم ددمنشانه به حزب توده ایران و شعله ور کردن کمونیسم ستیزی و شوری ستیزی، رد فواین اصلاحات ارضی و دولتی گردن بزرگان خارجی، دفاع از کلان تاجران و سرمایه داران و زمینداران بزرگ، سرکوب مبارزات کارگران، دهقانان و دیگر اقشار مردم زحمتکش در پیش گرفتن سیاست درهای باز و گسترش پریشیاب مناسبات اقتصادی و سیاسی با امپریالیستها، و به موازات این همه ادامه جنگ و بیرونگر عده عنا صر تشکیل دهنده این روند هستند. در این میان سرکوب کمونیستها و دیگر نیروهای مترقی کشور و تعلل و ساختن شور و ستیزی از یک سو و حفظ و تحکیم نظام اقتصادی مشروط با زمانه از رژیم شاه از سوی دیگر آن لحظه های اصلی هستند که آمریکا و هم دستان بقیه در صفحه ۲

اظهاریه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) این صحنه سازی ها را محکوم می کنیم

در صفحه ۴

"پیام"

رفیق سیاوش کسرای شاعر انقلابی کشور ما و رزمنده پیگیر حزب توده ایران به مناسبت برگزاری پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) "پیام" را سروده است در صفحه ۲

جنگ را قطع کنید، مردم صلح می خواهند

دگرگونیهای درونی جمهوری اسلامی و ... بقیه از صفحه اول

موردوران آن برای کشاندن جمهوری اسلامی براه خواستد خویش از آغا زبیر آنها با فخر شدند.

حیثی و یاران او همواره می گفتند که آمریکا با اسلامی بودن حکومت و حاکمیت روحانیون دشمن است اما هراس آمریکا و متحدان آن از انقلاب بهمین وار استغییری ندا میراند لیستی و ترقیخواهانه حاکمیت جدید بود پس هنگامیکه رهبران جمهوری اسلامی به مردم خیانت کردند و رهبر و محرمی روندهای ارتجاعی شدند، آمریکا و کل غرب نیز تطبیق نقشه های خویش با شرایط جدید و تجدید مناسبات با حکومت آیت الله حیثی را آغاز کردند. آنها همانگونه که گذشت پس از سفر سه روزه اش به ایران جمع بندی کرده است به این نتیجه رسیده اند که: تمایل دولت ایران به عادی کردن روابط آن با غرب منطقی و درست است و عرب باید به آن نظر مساعد نشان دهد. این جمع بندی البته تا زگی نداشت بلکه تکرار تا آید میسر جمع بندی سران هفت کشور امپریالیستی در گردهمایی ویلیا مزبور بود که به نوشته مطبوعات غربی منافع گردیده آنچه پیش درآمدهای اخیر ایران برای بهبود رابطه با غرب، تا میدند به گرمی پاسخ دهد. امپریالیستها با امیدواری به تحولات مثبت درونی جمهوری اسلامی در کفترانس ویلیا مزبور به این نتیجه رسیدند که: برای سوق دادن دولت ایران به جانب دولتی میان رویا پستی به دریاغ سرستان دادن آن روی خوش نشان داده شود.

که امپریالیسم در ایچا آن نقش عمده داشتند است انجام می پذیرند. آمریکا و متحدین آن از هزاران راه و با هزاران تیرنگ برای فرسودن انقلاب بهمین دست جمهوری اسلامی کوشیده اند و امروز نیز سعی دارند تا کارگر را در نوید دهای درونی جمهوری اسلامی با بند.

حک ایران و عراق که آماج اولیه آن تجزیه کشورها و درهم شکستن انقلاب بهمین بود در فراموش کردن شرایط شکست انقلاب و مسخ جمهوری اسلامی و تسلیم رهبران رژیم از همه تا گنجیهای امپریالیسم بیشتر تا تیرگذا رده. ندا و جنگ امروز نیز بستن برای امپریالیسم، یک اهرم اطمینان بخش جهت تسلیم رهبران جمهوری اسلامی است.

امپریالیستها برای تقویت و تسریع روند نزدیک جمهوری اسلامی به خود همچنان بدقت از سیاست تهدید و ترغیب بهره میگیرند. آنها یک دست رژیم را به گرمی می فشارند و دست دیگر آنرا سختی می بچایند. با یکدست نفت را تحویل می گیرند و اسلحه و کالاهای مرفهانه به جمهوری تحویل می دهند و با آن قمارهای کوتاه مدت و دراز مدت اقتصادی می بندند و با دست دیگر آنرا پیش از پیش دریا طلاق جنگ عراق می آزند و به حمایت تسلیحاتی و اقتصادی محتاج می کنند و شمشیر آریا مهرشان خود را به تهدید در برابرش به نمایش می گذارند. شیطان بزرگ می گوید تا جمهوری اسلامی را با ذلت بسنجی بیعت نکشاند.

نکته دیگری که باید بر آن تاکید کرد این است که تکیه بر تحولات درونی جمهوری اسلامی، رنقشده امپریالیستها به معنی بی اعتبار شدن دیگر شقوق و با کم توجهی امپریالیسم به آنها نیست. امپریالیسم با یک دست بازی نمی کند، خصوما وقتی بازی هریمتی او در شرایط بفرنجی چون شرایط کشور ما و در مقابل رژیم برتناقضی چون رژیم کنونی ایران باشد.

کشور ما کشوری است دارای استقلال سیاسی و این دستاورد بزرگ انقلاب بهمین است. مردمی که این استقلال را کسب کردند بد شدت نگران آنند و از آن با قاطعیت دفاع می کنند، بنا بر این اگر چه رژیم استقلال کشور را با سیاستهای بسیار ارتجاعی در معرض خطر جدی قرار داده اما امپریالیسم برای باز پس گیری و بازسازی مواضع از دست رفته اش خود با این مشکلات و موانع متعددی روبرو می بیند. گزینش تا کنون تکیه بر تحولات درونی رژیم از سراجبار است و به اختیار، امپریالیستها به تحولات درونی جمهوری اسلامی خود گویای آنست که آنها تا این منافع خویش را در گرو پیرومده شدن یک روند می دانند که با عوامل گوناگون مشروط می شود. بر این پایه با قاطعیت باید گفت که آمریکا و همدستان آن به یک انتخاب ساده بین مطلوب ترین امکان که شاه برستان با خود و با فعل ترین امکان که استرجاع خاکم باشد شدن نمی دهند. بعکس در حالیکه

می کوشند هر دو خصوصیت در یکی جمع شود و راه رسیدن به مقصود تا حد ممکن نزدیک و آسان گردد، امکان است خود را بر عرصه طرطن اهریمنی خویش چنان سازمان می دهند که تسلیم رهبری جمهوری اسلامی زیر فشارهای از جهات مختلف تسریع شود و در عین حال از راههای مختلفی بتوانند به مقصود خود که احیای مواضع گذشته شان با بند نزدیک شوند.

تغییرات حاصله در سیاست امپریالیسم نسبت به حکومت اسلامی سرچشمه تغییرات مناسباتی در مواضع نیروهای وابسته به بورژوازی ارتجاعی شده است. طبیعی است که بسیاری از دلایل امپریالیسم برای امید بستن به ارتجاع حاکم مستقیما می توانست برای نیروهای بورژوازی ارتجاعی نیز جهت ویا سرچشمه امید باشد. اگر راههای تازه ای برای سرزیر شدن سرما به آنها و متخصصین و ما مورین غرب به ایران باز شده چه دلایلی دارد که سرما به ایران و متخصصین و ما مورین آریا مهری زود ترا زهمه از همان راهها به وطن باز نگردند و با ط خویش را نگترانند؟

افزون بر این باید گفت که آشتی دادن جمهوری اسلامی با این زیاده های نداشتی جامعه ما برای غرب از اهمیت زیادی برخوردار است و خود ما مثل تضمین کننده دیگری برای اعتماد آن به جمهوری اسلامی است. ارتجاع حاکم نیودلیتی نمی بیند که بسیاری از این نیروها را برای خدمت به وطن فرا نخواند. به صورت شاه راه سود سرما به آنها همه یک سمت دارد و می توانست عبا رحمت جمهوری اسلامی را مشترکاً بشکند.

بر اثر چنین رویه های است که می بینم در میان فراریان مرتجع و غرب گزینان در افتاده و اینجاست آنچه زیت های غرب برای جلب رژیم آیت الله حیثی آغاز شده و چکه و چاه های در برده و به پسرده سران این دارو شده ها با مرتجعین حاکم بر صفحات مطبوعات غرب تفت می بیند.

روزگاری آیت الله حیثی گفت: "آرزوی مرا که آمریکا از ما تعریف کند یا بدعا از گرفتار است. روزی که کارتر و ریگان از ما تعریف کند معلوم می شود در ما اشکالی پیدا شده است. تک نیست که این گفته ها کلام درست بوده و مردم نیز آنها را باور کردند و دنیا سپردند. اکنون که رهبران جمهوری اسلامی خود به دلجویی و جلب اعتماد غرب متفولند البته دیگران شنیدند. تعریف و تمجیدهای آمریکا و غرب اگر اهی بدل راه نمی دهند، بعکس تا در وقت خرنیز می شوند. اما مردمی که نمایانهای بر طرطن آنان را باور کردند بنا بر همان شعارها بر فرقی این "رهبران" می گویند. بسیاری از توطئه های امپریالیسم و ارتجاع علیه آزادی و بهروزی کشور ما احتمالات گوناگون است اما بقتن این است که چهل میلیون ایران، آندیده در کوره انقلاب هرگز نخواهند گذاشت که آن آب های رفته به جوی دشمنان باز نگردد."

در آن کفترانس امکان "میان رو شدن حکومت ایران، یعنی هماهنگ شدن آن با خواستهای امپریالیستها مورد تاکید قرار گرفت و تا کنون هم رژیم در نقشه های آن با هم جای مهمتری پیدا کرد. آران زمان تاکنون سانگونه که پیش ترا اشاره شد رویدادها در جمهوری اسلامی با آنچه امپریالیستها "تحولات مثبت" می نامند اینک محاسبه آنان را تدقیق و تقویت کرده است. آمریکا و همدستان پیش از این قانع می شوند که اولاً حفظ و تحکیم مستگیری کنونی جمهوری اسلامی در مسست تا مین منافع آنهاست، ثانیاً امروز اقمی در مسست شق و با لعل ترین امکان برای پیشروی در مسست تا مین منافع چپا و لگرا نه شان تکیه بر "تحولات درونی جمهوری اسلامی" و کشاندن هر چه بیشتر و تند تر حکومت آیت الله حیثی به راه مطلوب خویش است.

امیدواری فزاینده امپریالیستها به تحولات درونی جمهوری اسلامی هرگز بدین معنی نیست که آنها به سر خود بخود این دگرگونیها اطمینان دارند و با سرچین چیزی تکیه می کنند. بعکس دگرگونیهای ارتجاعی جمهوری اسلامی عمیقاً زیر تا نیر تلاشها و توطئه های امپریالیسم بوده و در شرایط

درینا طرفه پهلو ان که میدان رزمشان بلعید اما گنج آزمون و عطر با ورشان بجای ماند و درینا آن گنگشته سندان که جز شهید و گرد نعلشان را در آسمان یاد خویش نداریم و شادا پیوند امید آفرینمان به پویه و کار و بیگار و توان تناور ارتش رنج که با ماست و باید نبرد آخرین را به پیروزی بنشانند.

قطره ایم، اما بی سکون شبنم، نه دانه، ترپاشی که روح تلاش در پیگر ماست.

ای قطره های اشک و خون و عرق دریا را به کام بگیرد که مستی بدین جام، نوشتان باد!

با خون برخاستگان، اینک به اندیشه می نشینند تا با کلک هنر بر طومار تاریخ فرمائی دیگر بنویسند و لحظه ها - با کاسه ها شان تهی - در مفاگرستان روزی بیگانه، خود می خواهند و نه هر خورش که گوارش آنرا بر نمی تابند: شیرمال خرد، دستپخت توده، برآمد از تنور تجربه.



"پیام"

همه به بال های اشتیاق را می شنوم که در افق پارو می کشند و پیش می آیند.

سرود امواج را می شنوم که از کرانه های آینه تا توفان را در خیزاب معهود بسپح کنند.

آه جشن شهاب هاست که آسمان راه باز می کند و سحر در می کشاید و پلنگان به برآمدن ماه سرخ بدین قله فراهم می شوند.

خوشا برآمدن بنای بهروزی که از آبروی یاران و بیگر رفیقان ما آب و گل میگیرد و خوشا ریشه در خون داشتن و شاعر به سببانی خلق افراشتن.

به وطن نگاه کنید!
به قفس برندگان سیا هیوش که نوک های خونین دارند.
به خاکش نگاه کنید
که غبار سرخ لاله ها از آن بر میخزد.
به جاده هایش که در آن کاروان های فقر و آوارگی موج میزند.
و آسمانش که ابر خشم بر آن گروه می بندد.
گوش بداریدش!
صدای مویه است صدای شلاق هاست که آبی نمی برد صدای سرودها و رگبارها و این آتش و دود و دود و دود و بوی سوختگی که از مرزهایش بر میخورد کماندان را و کمین گردگان را بر جانش ببیند!
و چنبره، دام را که بزم بیشتر بر او تنگی می کند...

اینک بگویند آن کلام که باید اینک بنویسید آن واژه که شاید!

شب خوش!
ستارگان بچیگر، شب خوش!
شما را به گنگاش روشنانه وامی گذارم و خود - چشم بر زمین مادر - پاسدارانه همچنان به شکر دی آواز می کنم.

سیاوش کسرائی
مهر ماه ۱۳۴۳

استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

اطلاعیه کمیته مرکزی

امیرالاستهای غارتگری پیش میروند... میگویند... فرزندان دلبر و جنازه را از سر راه بردارند... همین دلیل تلاش میکنند...

جاودان باد خاطره تابناک فدائیان شهید رفیق مرتضی میثقی و رفیق منصور پورجرحم

یادنامه رفیق شهید مرتضی میثقی... رفیق شهید مرتضی میثقی دبیر کمیته ناحیه ای... و کار در برجسته سازمان در سال ۱۳۴۵...

رفیق مرتضی در روزهای مبارزه با رژیم پهلوی... در جریان مبارزه با رژیم پهلوی... در جریان مبارزه با رژیم پهلوی...

در زمان مبارزه با رژیم پهلوی... در زمان مبارزه با رژیم پهلوی... در زمان مبارزه با رژیم پهلوی...

پس از چند ماه با زداخت به اجرا گذاشته اند... اکنون نزدیک به یکسال است که فداایی سرخشان و قهرمان اینها را میبینیم...

مسئله مسکن و مبارزات مردم

بی خانمانی و نداشتن سرپناهی برای زندگی درد بزرگ اکثریت مردم شهرهای ایران است... سبیل هزاران مهاجر محروم روستایی که بر اثر سیاستهای ضد مردمی ارتجاع حاکم...

با حمله ارتجاع به حزب توده ایران و پیگیری رهبری و کارگزاران سازمان... رفیق در مسئولیت گرفت... در این دوره با کارگزارانی...

فدائیان خلق از زندگی و روزم و شبها در قهرمانانه رفیق خویش سمرقن میگیرند و بهشت او و فساد را میماند... خاطره تابناک رفیق مرتضی در قلب معلمان شریف ایران...

انقلابیون و میهن پرستان بیباخیزه احسان دهبازار زندانی سیاسی در سیاه چالهای رژیم در نظر است... دست دژخیمان را از جان فرزندان دلیر بر قهرمان خودگوتا کند...

جاودان باد یاد فدائیان شهید مرتضی میثقی و منصور پورجرحم

رسا تریا دفریاد اعتراض خلق علیه ترور و اختناق... علیه شکنجه و اعدام... کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چیزی نصیبشان نمیکرد در حالیکه شعار میدادند مگر از روی جنازه های ماردنوش... تخلیه کنند آنجا را ترک کردند... تخریب خانه های محروم مردم محروم با خون دل سرهم میکنند...

در شهرک قدس (قلعه حسن خان سابق) ما مورین اوقاف مردم را حمله کرده مدعی وقتی نبودن زمینها و پرداخت اجاره میشود... بدستال امتناع مردم با آوردن چند لودر به تخریب خانه ها...

اظهاریه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره اعلام شروع محاکمه اعضای رهبری حزب توده ایران و تعلیق آن این صحنه سازی ها را محکوم می کنیم

هم میبمان گرامی !
مردم آزاده جهان !

بانک اعتراض و مبارزه شما سران رژیم را و آوار ساختن این باصلاح دادگاه را فریبکارانه «علنی» اعلام کنند و نیز از بیم شما آنها برای جلوگیری از افشای جنایات هولناکی که مرتکب شده اند تشکیل دادگاه را به تاخیر انداختند. مبارزه و اعتراض شما یقینا می تواند حکام جمهوری اسلامی را و آوار سازد که درهای زندان را بر روی خیرنگاران، همیاینها، بیطرف بین المللی وکلای مدافع واقعی گشاید و بر جنایات رژیم در زندانها لگام زند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با دیگر صحنه سازی و قیانه های راکه ارتجاع حاکم میخواند تحت عنوان «محاکمه» برای آندازد قویا محکوم میکند و رهبران همه کشورهای تریخخواه، احزاب کمونیستی و کارگری جهان همه سازمانها و نیروهای دمکراتیک و مترقی ایران و جهان را فرامیخواند که با اعتراض هرچه وسیع تر خود، تلافی های ارتجاعی و فدرمیدی مرتجعین حاکم از بزبان آنداختن این صحنه سازیها را با شکستی مفتضانه مواجه سازند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

آذرماه ۱۳۶۲

هدف رسوای این صحنه سازیها مفتضه که بنام «دادگاه علنی» اعلام شده چیزی نیست و نخواهد بود چشیدید کارزار ارتشکین ضد دمکراتیک - ضد کمونیستی و ضد شوروی. هدف اصلی سران رژیم از برآنداختن این محاکمات جلب اعتماد و اطمینان اطمینان دهنده سیاست جمهوری اسلامی علیه دشمنان آنهاست و بیکیترترین مدافعان انقلاب و مردم در این رژیم جز شکنجه و زندان و اعدام نصیبی نخواهند داشت.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) صحنه سازی تازه و قیانه های راکه ارتجاع حاکم میخواند تحت عنوان «دادگاه علنی» برای آندازد قویا محکوم و مجددا اعلام میکند که تشکیل دادگاه علنی و عادلانه به معنای آنست که گروهی از بیژنگان و کارشناسان بیطرف جنسی قبل از آغاز محاکمات امکان یابند موضع جسمی و روحی زندانیان سیاسی را مورد معاینه قرار دهند، دفع هیات نمایندگی از طرف حقوقدانان دموکرات و یک یا یک رگرفته شده برای اخذ «اعتراف» و وثیقه های بکار گرفته شده برای اخذ «اعتراف» را مورد بررسی قرار دهد، به زندانیان اجسازه انتخاب وکیل مدافع از داخل یا خارج کشور داده شود و مطبوعات و رسانه های گروهی کشور نیز مجاز به انتشار نتایج این بررسیها و جریان واقعی محاکمه گردند.

هم میبمان گرامی !

شکام مرتجع جمهوری اسلامی پس از نزدیک به دو سال شکنجه جسمی و روحی اعضای رهبری و مسئولین حزب توده ایران در سیاه چاله های اوین به صحنه سازی دیگری روی آورده و فریبکارانه اعلام کردند که محاکمه اعضای رهبری جزیتوده ایران بطور علنی در محل زندان اوین آغاز خواهد شد. لیکن چند روز پس از این ادعای رسوا، خود را ناچار دیدند تا برایش بگیرند و با این خیال که بتوانند در فرضی دیگر سیرک تازه ای بکار گیرند، اعلام کردند که «محاکمه» فعلا آغاز نخواهد شد.

هم میبمان گرامی !
شما از کارنامه سیاه و خونین جنایات عمال رژیم در اوین و دیگر زندانهای کشور مطلع هستید. کیست که نداند در شکنجه گاهها و قتل گاههای رژیم در این سالها چه گذشته است؟ هیچکس نیست که سوار کند که این رژیم بنابه میل و اراده خود حاضر است برای میبمان «دادگاه علنی» تشکیل دهد. اعلام علنی بودن دادگاه و همچنین اعلام به تاخیر آمدن آن هر دو حیلها هستند که حکام مرتجع جمهوری اسلامی تحت تاثیر اعتراض عمومی و جهانی به جنایات رژیم در زندانها برای فریب مردم ایران و جهان بکار گرفته اند.

نقش و ضرورت هسته های مخفی کارگری

کارگری حکومتی از دست عناصرو عمال حکومتی تشدید شده است و باید که کارگران را برای رساندن برای کسب ضروری به شکلهای واقعی کارگری مجهز شوند. باید که در این شرایط تولیدی یا خدماتی سبکتر در واحدهای بزرگ که سپردلین فاداسیگونه تشکیل شده است، آن را سازمان داد و از سوی دیگر شکلهای موجود را بسازی کرد و با طرد عناصر مخفی و فسادکارگر رهبری این شکلها، آنان را در مواضع کارگران قرار داد.

ارتجاع همیشه کارگران را متفرق می خواهد. از وحدت و تشکل کارگران همواره بیمناک است. از اسیر و به موازات تقویت مواضع ارتجاع در حاکمیت بورژوازی به تشکلها و تجمعیهای کارگری تلاش برای متلاشی کردن و مسخ تشکلهای کارگری تشدید شده است. سیاست هیات حاکمه بر این پایه قرار گرفته است که توده کارگران را از فعالین جنبش کارگری و ارتداد و رهبری تشکلهای واقعی کارگری محروم کند تا مقاومت کارگران را در هم شکند. به همین دلیل حربه اخراج و سرکوب پیش از هر زمان دیگر علیه کارگران بکار افتاده است.

همانطور که تشکلها کارگری در صورت ارتجاع تشکلها را با تشکلها و رسوای روبرو کرد، این را نیز تلاش های هیات حاکمه را با گسترش مبارزه مفتضانه تشکل حوا هداد، در همین راستا باید اقدامات ضروری برای تشکلها را مل تلاشهای ارتجاع حاکم نام شود. در ریاض به این ضرورت باید تا تجربه تریسب و سازمان یابند. و طبیعه اصلی این گروه فعالین جنبش کارگری که آسراسته مخفی فعالین کارگری می یابند. رهبری مبارزه جاری کارگران، دفاع از حواست های آنان و نیز تلاش مداوم برای ارتقای حواست ها و وسط مبارزه توده کارگران است. هسته های مخفی باید گسترش نقش و توان تشکل های کارگری در رهبری مبارزه کارگران را در دراز و وظایف خود قرار دهند.

هر چه وظایف هسته های مخفی بطور کلی روشن است، اما وظایف مشخص آنها در تاسیاب مرحله رشد جنبش توده ای کارگری وسط مبارزه کارگران محل و غیره تعیین می شود. در نیمه دوم سال ۷۷ هدف مقدم جنبش توده ای و سندیکایی کارگران ایران سرنگونی رژیم استبدادی و ولطنتی شاه بود. وظایف هم که فعالین حسن کارگری در برابر کارگران می دیدند، ناشی از این هدف بود. «بر این اساس تشکل مخفی فعالین جنبش کارگری نیز همان هدف را تعیین می کرد و تشکل اصلی مبارزه را نیز با اعتماد و تحریم همگانی قرار داده بود. در آستانه انقلاب بهمن مدها کمیته مخفی فعالین کارگری از جمله مهمترین آنان که بنام سدیگا های مستقل صنعت نفت فعالیت می کردند، با این هدف پدید آمده بودند. اما اکنون وضعیات آن زمان متغیر است. اکنون مطالبات اقتصادی در مرکز توجه کارگران است. اهداف جنبش توده کارگران عمدتاً اقتصادی است.

یکدیگر نروند و نمونه ای از تعلق هوشیارانه کارمندی با کار علنی هستند. تحول شرایط تعیین می کند که کدام یک چه نقشی در مبارزه کارگران برعهده گیرند.

بطریق اولی هسته مخفی کارگری یک گروه بندی سیاسی یا یک حوزه حزبی نیست، بسود مساباره کارگران در حوا أحداث که همه فعالین کارگری را شامل نمیشود و در رهبری مبارزه کارگران آن واحد شرکت کنند. این متا رکت پیروزی مبارزه را بیشتر تا سمن می کند و استفادها که ملتراز تجربیات مبارزه گذشته کارگران را میسر می یازد. از اینرو اعضای هسته مخفی می تواند نقشهای سیاسی و فکرا اجتماعی و اعتقادات مذهبی متفاوت داشته باشند. مهم آن است که آنان مجرب، مطمئن و در رهبری مؤثر باشند و بتوانند مبارزات توده ای و سدیگایی کارگران را در درجه مختلف آن هماهنگ کنند. هسته وحدت عمل همه کارگران را بر منظر اهداف مذهبی سیاسی آنان در مبارزه سازمان می دهد. از اینرو ترکیب و وظایف هسته مخفی با ترکیب و وظایف حوزه حزبی یکی جداست.

وظایف هسته های مخفی، همان وظایف رهبری جنبش کارگری در سطح واحد مربوط است. در شرایط کنونی مبارزه در راه افزایش دستمزد، بهبود شرایط زندگی و کار کارگران، جلوگیری از اخراج خود سرانه کارگران، تدوین و تصویب قانون کار مترقی، گسترش نقش تشکلها و سدیگایی و تجمعیهای کارگری و نیز مبارزه در راه استقرار مطالبات و آزادی و حقوق دمکراتیک کارگران، افشای سیاست ضد کارگری حکومت و نهاد های سرکوب و عوا مل مرتجع آنها، بخش اخبار مبارزه و فعالیت کارگران و دیگر اقتضای خلق، راجوس و وظایف این هسته ها هستند. انجام طبق برنامه و نقشه این وظایف برای فعالیت بخش هسته ها، حواست اهمیت جدی است. تشخیص اینکه کدام خواست از مجموعه مطالبات کارگران در لحظه معین، حمایت بیشترین کارگران را جلب می کند اهمیت فوق العاده دارد. پس از آن هسته مخفی باید نقشه روشن، در گرفتن آن خواست طراحی کند. تنظیم خواست کارگران، چگونگی جلب بیشترین نیروی کارگران را مبارزه، جستجوی راههای برخورداری از حمایت کارگران و ادهای دیگر، افزایش سهم تشکل علنی کارگری در رهبری مبارزه، پیش بینی اشکال مناسب حرکت و تجمع کارگران، چگونگی بی اثر کردن عوامل ارتجاع، پیش بینی راههای مقابله با بورژوازیها و سرکوبگر رژیم و غیره در برنامه عمل هسته باید مورد توجه قرار گیرد. رهبری طبق نقشه، امکانات پیروزی کارگران را افزایش می دهد و آنان را برای پیشبرد مبارزات اقتصادی و سیاسی کارگری آماده تر می سازد.

مبارزه فعالین جنبش کارگری در راه افزایش تعداد، سهم و نقش هسته های مخفی در رهبری مبارزات کارگری در راستای سازمان سیاسی هر چه بیشتر جنبش کارگری ایران است. برای پیروزی مبارزه توده کارگران در شرایط آنداختن، تشکیل هسته های مخفی فعالین کارگری ضرورت عاجل دارد.

جنبش کارگری با هدف دستیابی به اهداف صنفی و طبقاتی و در مبارزه برای کسب آزادی و حقوق و دمکراتیک کارگران است که با آردنهای سرکوب رژیم و حکومت جمهوری اسلامی نبرد می کنند. اکنون اعتصاب، کم کاری، تمجن، مراجعه دادخواهانه به مسئولین، طومار نویسی و غیره اشکال رایج مبارزه کارگران است. هر نوع تلاش هسته مخفی جهت تسهیل یک شکل مبارزه در حکم آسیب زدن به رابطه هسته با آن گروه کارگران است که تا دگی نرسد آن شکل مبارزه را بکار گیرند. بر این اساس هسته مخفی چه لحاظ شرایط عمومی کشور و چه لحاظ سطح تشکلها جنبش کارگری، همان کمیته اعتصاب نیست. هسته مخفی، سدیگای مخفی هم نیست. اما سدیگا یا هر نوع تشکل صنفی که از نظر کارگران مخفی باشد، بی معناست. سپردن وظایفی که سدیگایی تشکلها کارگری بعهده می گیرند به هسته های مخفی هم به کجراه کشیدند. اما در چنین فعالین کارگری و هم محروم کردن کارگران از تجربه مؤثر آنان است.

علاوه بر آن جنبش کارگری شناسایی حق تشکیل سدیگای کارگری را با دادن قربانیهای بیشتر و نیمه بملیو تحمل کرد. البته رژیم متغور بملیو مبارزه کارگران را با سرکوب مواجه می یابد. امکان تشکیل آزادانه سدیگای مستقل کارگری را از زمان برداشت، با این همه شناسایی این حق به تنهایی پیروزی بزرگی برای کارگران است. هر چه رژیم شاه هرگز جرات یافت آنرا پس بگیرد، این حق در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز قید شده و رسمیت یافته است. این رژیم نیز جرات ندارد که نیافتد که این حق را بطور رسمی باز ستاند. اما تلاش ارتجاع همواره متوجه آن بوده و هسته کسبه تشکلهای کارگری را متلاشی می کند. تلاشهای ارتجاعی تشکلها و زیرساختی کارگران اخیر برای تحمیل پیش نویس جدید قانون کار و لایحه کداسی خورا های اسلامی همین هدف را تعقیب کرده می کنند. اما این تلاشها هیچکدام به نتیجه مطلوب نرسیده است. بسیاری از تشکل های کارگری باقی مانده اند، برخی کا نون های منطقه ای کارگری بحیث خود ادامه می دهند. هم اکنون برخی تشکلها کارگری بویژه در بخش تعاونی مبارزات کارگران را رهبری می کنند. مبارزه توده کارگران تشکلها ی موجود را فعال تر می کند و رهبری آنان را تحت فشار می راند تا خود را در هر چه بیشتر با مواضع کارگران منطبق سازند. این مبارزات زمینه ایجاد تشکل های جدید کارگری را فراهم می کند. نشاندهنده مخفی بجای تشکل رسمی و علنی کارگری جز جنبش تشکلها ی موجود از مبارزات جاری کارگران، جز منحرف کردن مبارزه کارگران و تشدید خصلت خود بخودی مبارزه آنان، هیچ نتیجه دیگری نمی تواند داشته باشد. هسته مخفی در برابر تشکلها ی علنی کارگری قرار نداد، بلکه تشکیلهای تضمین کننده تداوم فعالیت آن است. رهبری تشکلها ی علنی و مستقل کارگری بخشی از رهبری جنبش کارگری است که مبارزات کارگران را علنی رهبری می کند و هسته مخفی بخش دیگر آن است که در خفا به وظایف خود عمل می کند. این دو مکمل

اعتصاب کارگران ساسان و عوامفریبی مسئولان حکومتی

بازتاب گسترده مبارزه فرمانان کارگران شرکت ساسان، که نمودار برجسته ای از کشتن اعتراض و مبارزه کارگران علیه اقدامات و سیاستهای ضد کارگری رژیم بوده است مسئولان حکومتی را بر آن داشته تا همچنان به کتمسان این رویداد بپردازند و رسماً متکر آن شوند. اظهارات سرحدی زاده وزیرکار حکومت در محاصره جنیدی پیشوی باروزنامه جمهوری اسلامی از این نمونه هاست. آقای وزیرکار اگرچه ناچار میشود به "ناآرامی" های آشکاره کد اما لاجوابه تلافی میکند تا چنین وانمود سارد که گویا اصلاً "رویدادخوبین ساسان اتفاق نیافتاده است."

شربه کارنظره اهمیت مبارزات کارگران شرکت ساسان و رفتن امتاگرانه آن علیه رژیم و رفتن آگاهگرانه آن برای دیگر کارگران میهنان سار دیگر آنچه را رویداده است با حزنات آن درج میکند.

شرکت ساسان که زیر پوشش "سید مستغفین" است ۴۰۰۰ کارگر دارد که در سه شیفت کار میکنند. در حالیکه درآمد سراسر ساسان به طبع دستمزد کارگران ساسان با شین نگه داشته شد. مثلاً درآمد کارگران یکساله فقط ۲۵ تومان است. اراسر و اکثریت کارگران ناچارند با ماهانه کاری کمی دستمزد درآمد خود را تا حدی حصران کرد. با وجود این وضع مسئولین کارخانه ساسان در اواخر نرماه تصمیم گرفتند که سیاستهای افزایش تولید را به حساب بیه واریز کنند. این عمل خود سراسه با اعتراض کارگران روبرو میشود. کارگران به مدیر عامل بگور فرست می دهند تا بهره وری آنها را بپردازد. اما مدیرعامل به سانه وجود جنگ و هزینه های جنگی دولت امتناع میکند. همان روزانجمن اسلامی حیران اعتراضی کارگران را به اویسن گزارش میکند. غروب آنروز نماینده دادستان ساسانکار سهران در کارخانه خبرانی و کارگران را به سرکوب تهدید میکند. علیرغم اینسی تهدیدات فردا چهارشنبه اعتصاب آغاز میشود و کارگران تمام شیفت ها تولید را رها میکنند. سانه به داخل کارخانه میریزد و با تلیک گاز از آنک آور بین کارگران سرکوب آغاز و تعدادی از کارگران را دستگیر میکند. تا ساعت ده شب سرکوب کارگران ادامه می یابد. در این روز ۱۵ کارگر اعتصابی دستگیر و روان زندان میشوند.

صبح روز پنجشنبه کارگران همراه با خانواده کارگران رندانی بکارخانه بازمیگردند. اما ساداران حاکم ساسان برای جلوگیری از ورود آنان بکارخانه سوی کارگران تلیک میگردانند و کارگران با شعار مرگ سراسداری آنها مقابله میکنند. در این حیران ۲۵۰ کارگر رندانی و جدا نشل ۵۱ نفر رومی میشوند. ارگان های سرکوب برای نکس رومی مقاومت کارگران شایع میکنند که ۵۰۰ هزار کارگر فدایی را اخراج میکنند. ساسان حال کارگران نامک کاری و کاهشی تولید به مقاومت داده می دهند.

در این حیران انجمن اسلامی اعتراضی تمام محولات درون کارخانه را به اوین گزارش میکند و با آنان و سانه سرکوبگر علیه کارگران همکاری میکند. انجمن اسلامی با این همکاری مورد نفرت سسر کارگران قرار گرفته است. اعتصاب ساسان در میان کارگران بازنشسته کسره ای یافت. باره ای از کارخانه ها از جمله دارویی با صدور اعلامه از این اعتصاب حمایت کرد.

علاوه بر آن سرکوب خوین اعتصاب ساسان در جامع مختلف کارگری کشورهای مختلف با زتاب است. ملی نموه اتحادیه سندیکاهای آلمان (د.گ.ب.ک) طی بیانیه ای حملیه و حسانه رژیم به اعتصابیون را محکوم و حواسار آزادی موری کارگران زندانی شد. نمایندگان اتحادیه کارگری بریتانیا نقش خنق مشوق دیوکراتیک کارگران توسط رژیم را محکوم کردند و "اتحادیه دمکراتیک کارگران ذوب آهن ساسان" آکسان " طی پیامی به کارگران مبارز ساسان حمایت و همسنکی خود را با آنان اعلام داشت.

تلاش مسئولان جمهوری اسلامی برای جلوگیری از انعکاس مبارزات کارگران، دهقانان و دیگر رجمکنان ساسه در پرتو فعالیت هرچه گسترده تر سروهای افلاخی جنسی کرد. انعکاس مبارزات کارگران هرکارخانه ای که ساسکارگران الهام و امید و رهنمود میدهد، انعکاس خسر و چندوچون مبارزه کارگران هر کارخانه به سایر کارگران علاوه بر اینکه می تواند حمایت دیگران را در

دفاع از کارگران مبارز برانگیزد و انتقال تجربیات کارگران مبارز را به سایرین موجب می شود. کارگران وقتسی همسیدگر را در حال مبارزه می بینند نیاز عمیق خود را به اتحاد و تشکیل عقیقا بازمی شناسند و به پیروزی خوین بیش از پیش امیدوار میشوند و در جنسی تراطلی است که مبارزه آنها بیگیرانه گسترش می یابد.

فدائیان خلق برای یاری به مبارزات کارگران شرکت ساسان و متعکس کردن آن کوششهای درختانی کردند. فدائیان دفاع از کارگران ساسان اعلامیه و تراکت در سراسر شهر و در دیگر کارخانه ها پخش کردند و نقش برجسته ای در مطلع کردن سایر کارگران از این رویداد ایفا کردند. رفقای مبارز در خارج از کشور نیز تلاشهای وسیعی در این زمینه کردند. نمونه آن شرکت رفقای مادر کرده های نمایندگان اتحادیه سندیکاهای آلمان فدرال (د.گ.ب.ک) است. در این

کرده های اتحادیه سندیکاهای آلمان (د.گ.ب) در حمایت از کارگران مبارز شرکت ساسان بیانیه ای صادر کرد.

همه فدائیان باید چنین کوششهایی را سرمشق قرار دهند و همگونی هرچه پرتوان تر و طایف خود را در خدمت به کارگران و رنجبران انجام دهند.

فاجعه بوفال

تبهکاری ریگان و انحصارات آمریکایی

بر اثر شش کارهای زهر آکین ارکارخانه تولیدکننده مواد خشره کش سیتی از ده هزار یونان صد تن از مردم شهر بوفال هند کشته و نزدیک به بجاه هزار نفر مسموم گردیدند و عده زیادی نیز سبائی خود را از دست دادند و بیم آن وجود دارد که بیماریهای واگیر در بین مردم این شهر شیوع پیدا کند.

مردم بوفال بعد از گذشت چند هفته از این حادثه بدلیل خطر نشت باقیمانده گازهای زهر آکین محصور شده اند از شهر کوچ کنند و در اطراف آن جاد زبند. این اتفاق در هندساک ناسف و عالم ساسر مردم هندوستان و سایر کشورهای آمریکا و انگلیت و نگرانی جهان را از وجود انسوه اسارطی مواد سمیائی و کارهای سمی، بویژه ذخائر سلاحهای شیمیائی افزوده است.

کارخانه تولیدکننده مواد خشره کش متعلق به شرکت آمریکائی "یونیون کارباید" است. گردانندگان شرکت فرامیشتی "یونیون کارباید" بعد از بروز این حادثه کوشیدند مسولیت این فاجعه را بر دوش مدیران و کارکنان شرکت بیاورند. آنها اعلام نمودند که شش گاز ناشی از پایین بودن مهارت مسئولین و مهندسی کارخانه بوده است. کارشناسان و شیمیست های هند این ادعاها را تکذیب کرده و خاطرنشان نمودند که بروز حادثه در بوفال نتیجه سیاست های شرکت های چند ملیتی است. این شرکت ها برای زباندوزی هرچه بیشتر تکنولوژی عقب مانده و محصولات نامرغوب را به کشورهای در حال رشد صادر میکنند و مقررات ایمنی کار و حفظ محیط زیست را زیر پا میگذارند. مسئولین شرکت "یونیون کارباید" در شهر بوفال مانع ورود نمایندگان رسمی حکومت هند بکارخانه میشوند. در سال ۱۹۸۲ نیز یکبار دیگر گازهای سمی از مخازن این شرکت به بیرون شت کرد و در نتیجه آن عده ای از کارگران کشته شدند و لسی شرکت مزبور هیچ اقدامی برای تامین ایمنی کارگران انجام نداد.

مسئول این فاجعه استفاک دولت ریگان و شرکت چند ملیتی "یونیون کارباید" می باشد. دولت ریگان بخاطر منافع انحصارات، قانونسی را که بموجب آن شرکت های آمریکائی که در سایر کشورها کار میکنند را موظف میکند از همسکان مقررات تامین ایمنی کار که در خود امریکا وجود دارد پیروی کنند لغو کرده است. دولت ریگان نا لغو این قانون، دست شرکت های امریکائی را برای کسب حداکثر سود حتی بسه قیمت جنین کشتارهای در کشورهای در حال رشد باز گذاشت.

دولت مردم هند بروز این حادثه هولناک را نتیجه غارتگری شرکت های چند ملیتی امریکا و حمایت دولت ریگان از آنان میدانند. دولت هند علیه شرکت "یونیون کارباید" اعلام حرم کرده است. فاجعه شهر بوفال ملل جهان را بیش از پیش نگران خطری میکند که ذخائر عظیم سلاحهای شیمیائی امریکا و هندستان آن متوجه شریست میکند. مبریا لسیستای جنگ افروزان دریا شند برای دستیابی به وسایل و مقادیر هریمنی خوین از به آتش کشیدن جهان نیز اسبائی ندارند.

شکنجه و کشتار اسیران جنگی محکوم اسه

گزارش صلیب سرخ جهانی در باره کشتار اسرا جنگی عراقی در اردوگاه کرگان که در جریان دیدار نمایندگان صلیب سرخ از این اردوگاه موقوفه پیوسته بود، در ماه گذشته همچنان از روی سادها ای مورد توجه جهانیان بود. مقامات جمهوری اسلام از تلاش برای پوشاندن اقدام جنایتکارانه خو از چشم مردم ایران جهان به هاهای تبلیغات خود شدت بیشتری دادند.

موسوی نخست وزیر با حملات شدید علیه صلیب سرخ همه کوشش خود را بکار گرفت تا اصل موضوع را در تاریکی قرار دهد. اما واقعیت امر آشکار است و کشتار فاشیستی اسبائیکه در سارت جنگی فرا گرفته اند از جانب همه مردم مبین ما و از جمله همه آتانی که نگران جان حکرگونگان اسیر خود در عراق هستند محکوم است. این جنایت نفس آشکار قرار داد بین المللی ژنودرابطه با اسیران جنگ و موجب بی آبرویی هر چه بیشتر رهبران جمهوری اسلامی در سراسر نردم جهان شده است.

ارتجاع حاکم که از هیچگونه سعیتی نسبت به فرزندان مبین ما ایستاده رد و جنایات سیستم در زندانها چشم و نفرت دنیا را برانگیخته است بطریق اولی در رابطه با اسیران جنگی از هیچ اقدام برای پیشبرد مقادیر ارتجاعی خود فروگذا نمی کند. فشار شدید در جهت تبدیل اسیران جنگ به سرسیردگان رژیم، تحمیلات عقیدتی و مذهبی و انواع اقدامات سرکوبگرانه علیه این اسیران ک خود با زور رژیم سرکوبگر مدام رخا و گناشته شبا کنده شده و به میدا سهای جنگ کسیل شده اند از این

زمره است. زمره ها و اقدامات سرکوبگرانه ای که مانع مختلف و با دستگیری عوامل مجلس اعلاهی عراق در اردوگاهها، جریان دارد هر از چندگاهی به واکت اعتراضی اسرا و سرکوب آنان منجر میشود.

رویداد خوین کشتار اسیران عراقی در کرگان از نظر همه مردم ایران محکوم و با نفرت و از جزا است.

مردم علیه کفکابه ... بقه از صفحه ۸

مردم با چرا گذاشته اند. سانه با ساداران از این مستغفی مبالغ کلانی را بعنوان حریبه احاد میکنند. استقرار طرح سنامه یک خواست جدید در میان سراسر ایران در یادگانها و حومه ها جنس مسخوره، عده ای از جوانان از مدت در ساساداران خودداری میکنند. اخرا حدود ۶۰ نفر از مسئولین خدمت و طبقه که توسط دواتوسو از مناطق شمالی کشور برای تحویل به ساساداران باختران آورده شده بودند معسوا اعتراض بحدت دروز از اتوسو سانه شدند آنها حاضر نبودند خدمت سراسری خود را در ساسا بگذارند. در مواردی سراسر هنگام حمله عید میشوند و با بطور جمعی از انجام عملیات نظام خودداری میکنند. برخی اسراسر از نقل و ساسا حین عملیات "خودرزی" میکنند تا به ساسا جنبه منتقل شوند.

این حقایق نشان میدهد علیرغم اینکه رژیم جمهوری اسلامی حتی بخت و گفتگو در باره صلح راهم، برای مردم مسموم اعلام کرده است. جنین اعتراضی علیه ارتجاع حاکم کسرتن و عمیر بیشتر پییدا میکند و ارتجاع حاکم در این فرس بیش از پیش خود را منزوی می یابد. اسبب مبارزات حاکمی از است که شعار "قطع جنگ" است. استقرار طرح به شعار فراگیر اقتصاد و طبقات مختلف فراروشیده و های سرخسده وویزه ای در مجموع مطالبات مردم پیدا میکند. در گزارش هیات سبائی کمینه مرکزی سراسر ما به بطنوم سببای ۶۳ گفته شد "ما ساساره در راه بازگردانیدن صلح بین دو کشور را در صدر وظایف خود قرار داده ایم". ساسان مادرشهره و روستاهای کشور نقش کلان "موتری در کسرتن آیر جنبش به عهده گرفته است. شعار کسرتن و رهنمودهای ما در مقابل با این جنگ حاسا نوس در میان توده ها میوز میکند و با استقامت روز افزون مردم مین مواحه است.

نیروهای ساسان باید سبب توده های سرده علیه جنگ را بازمی بیشتر کسرتن دهد و سنا ب و سبادهای این جنگ ویرانگر را هر چه وسعت افشا بکنند. هر شعاری که بر روی دیوار نوشته میشود، هر تراکتی که پخش میشود و هر اعلامیه ای که بدست مردم داده میشود بر سر سرد علیه جنگ می افزاید و برجم دفاع ارطیه را بر اثر ارتعته تکر میکند. امروز ساسان کسره مقاومت و اعتراض توده ها علیه جنگ ساسا و وحی تبدیل شده است. فعالین ما باید شرکت در جنین اعتراضی علیه جنگ به ارتعسا بارها و حرکات مردم و به سازمانهای آنها برای رساندن بدون تردید حرکت یکبارجه و سازمان یافته مردم تلاشهای جنگ افروزان رژیم را بیش از پیش به سن سبب و شکست میکنند و خواه را برای استقرار صلح عدا ساسا

پشتیبانی گسترده از کارگران اعتصابی ذوب آهن

اعتصاب بزرگ کارکنان ذوب آهن اصفهان مهمترین رویداد آذرماه و از زجرناکترین رویدادهای جنبشی کارگری ایران در سالهای اخیر است. این اعتصاب که تا حرکت پیش ازدهه هزار نفر از کارکنان ذوب آهن در اعتراض به طرح ارتجاعی و تعاضلی گردن نیویس پیوست، طلی جدیدی که ادامه یافت نمونه ای از تعاضل و فترت فیرما به کارگران در مقابل دسایس و نوظهورهای سرکوب گرا به رژیم پارسائی گداخت.

معاومت و همبستگی کارکنان ذوب آهن در بین کارگران میهن مان و همچنین محافل کارگری مترقی جهان با نیت گسترده ای یافت. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و کمیته مرکزی حزب داده ایدو طوطه رژیم علیه موجودیت ذوب آهن و کارگران این کارخانه را افشا نمودند. در اصفهان، تهران، اراک، شیراز، قزوین و... کارگران واحدهای تولیدی متعددی به اشکال گوناگون همبستگی خود را با اعتصاب کنندگان اعلام دادند.

سئاری از مطبوعات مترقی و کارگری جهان خبر مربوط به این اعتصاب و اعتراضی ساختگوارا منتشر نمودند. از جمله میوان از نشریه اوامسته کارکنان حزب کمونیست فرانسه - عمر ما ارگان حزب کمونیست آلمان - سخن شمالی ارگان حزب کمونیست و کارگری سوئد - و راه پارس ارگان حزب سوسیالیست متحد برلین غربی و نشریه مورینگ استار ارگان حزب کمونیست برنسا مارا نامرد.

علاوه بر سئاری از سئکلهای کارگری کشورهای مختلف سیاسی خود را از اعتصابیون اعلام و اقدامات سرکوب گرا به رژیم را محکوم نمودند. با هم رسون هماهنگ کننده اعتصاب معدنیان سا کسب آکلنسان، انجا دکا رگران و دانشجویان بزرگ منم کابل و انجا دکا رگران فلسطین نورسنگ و... اراعتصابیون پشتیبانی نمودند که عسوان

نمونه بیام پشتیبانی کفندراسیون فرانسوی کار (ت. ز. ت) قدرتمندترین شکل کارگری این کشور را که میلیونها کارگر را تحت پوشش دارد در ذیل درج می کنیم.

بیانیه پیرزانشو، دبیر کفندراسیون فرانسوی کار (ت. ز. ت) در پساباره جنبش اعتصابی در اصفهان

اعتصاب بیش از ده هزار زحمتکش مجتهد ذوب آهن اصفهان، نشانه رسیاستهای خصمینی توسط زحمتکشان ایران است. سیاستهایی که در سیاستی رژیم واخترت کار روزندگی همبسته توده های رنجبر را خنثی کرده اند. اعضا و سازمانهای کفندراسیون فرانسوی کار (ت. ز. ت) که مدافعین و فادار حقوق بشر و آزادیهای سندیکایی و دمکراتیک هستند، با این رژیم را که تنها طریق اعمال نفرت انگیزترین نوع سرکوب علیه مبارزان راه آزادی و دمکراسی، به حیات خویش ادامه می دهد، محکوم می کنند. زحمتکشان ایران می توانستند مطمئن باشند که "ت. ز. ت" با آنان احساس همبستگی کامل می کند و فعلا لیتها خویش را در جهت بیان نیافتن سرکوب، از اختناق و شکنجه و سب برای آزادی همه زندانیانی که گناهان دارا بودن عقیده و آرمان دیگری است، به پیش می برد. زندانیانی که دادگاههای فرمایشی شان، نمی توانستند برایشان شاد و دلگرمی داشته باشند حقوق بشر را از طرف رژیم تهران.

سنا بر آخرین اخباری که تاکنون بدست ما رسیده کارگران اعتصابی تاکنون موفق شده اند علیه رژیم و مفاد عودات رژیم یعنی اخراجات خود را به ارتجاع تحمیل نمایند و اینک مبارزین کارگران برای رسیدن کامل به خواستهایشان ادامه دارد.

موتروی - دسامبر ۸۲

تظاهرات مردم تهران

پس از رویدادهای هفدهم آبان در ورزشگاه اجدیه، چندین بار دیگر نیز اجتماعات ورزشی تبدیل به صحنه تظاهرات توده ای گردید. بطوریکه رژیم پس از آن در تهران و سیبک از شهرستانها، همه مسابقات فوتسال را تا اطلاع ثانوی متوقف کرد.

در هفدهم آبان مردم با بهره گیری از فرصتی که برگزاری یک مسابقه فوتسال فراهم کرده بود، دست به حرکات اعتراضی علیه سرمداران رژیم زدند. مردم خمکین ارسا سبهای ارتجاعی رژیم در خیابانهای اطراف اجدیه در خالکه شعار می دادند و دست به راهپیمایی زدند. راهپیمایی تظاهرات کنندگان، علیرغم مداخله خن ارگانهای سرکوب تا مدتی ادامه یافت.

در دوم آذرماه نیز تظاهرات دیگری از میدان اجدیه آغاز گردید. این بار نیز یک مسابقه فوتسال امکان تجمع مردم فراهم آورده بود. تظاهرات دوم آذرماه به سرعت و بلاواسطه به یک تظاهرات سیاسی بدل گردید. تظاهرات کنندگان ضمن دادن شعارهایی گوینده از خیابانهای اطراف اجدیه، به طرف خیابانها و محلات مرکزی تهران به حرکت درآمدند. پلیس شهربانی و دیگر ارگانهای سرکوب، به مقابله با مردم پرداختند. آنها در آغاز با طومر تظاهرات کنندگان حمله کردند و سپس به میانشان گاز اشک آور پرتاب کردند. راهپیمانان با دلبری به مقابله برخاستند. با نصب موانع در خیابان راه عبور واحدهای سرکوب را مسدود کرده و با آتش کشیدن لاستیک های کبسه سعی کردند اثرات گاز اشک آور را خنثی نمایند. در سایر بخشها

لجام گسیخته ارگانهای سرکوب، مردم و اکثسی قهرمانان از خود نشان دادند. چندین اتومبیل پلیس و کمیته واژگون شد. سرکوبگران که غلبه سوند رژیم استوار را هبیمان ختمکن غلبه کننده سوی آبان آتش گشودند که در نتیجه آن چند نفر کشته و عمده بسیاری مجروح شدند. با وجود این تظاهرات در خیابانهای مرکزی تهران بطوریکه تانچندی ادامه داشت.

موتروی - دسامبر ۸۲

فئودال ها را برمی گردانند

دهقانان را به شلاق می بندند.

"ست سفلی" یکی از روستاهای شهرستان اراک است. اراضی این روستا در پیش از انقلاب در اختیار فئودالی به نام سلیمان خاسلوقی قرار داشت. این فئودال از صدانقلایون سرشاسی مسقف و ریی حزب رستا خیز اراک بود. پس از انقلاب این فئودال صدانقلایی دستگیر و محاکمه شد. او را در سال ۵۸ هجری جنایتهاش را اعدام کردند. دهقانان ست سفلی اراضی او را معارضه کرده و خود را زیر کشت بردند. مبارزه کتا و رزان را شورای روستا هتک و رهبری می کرد.

در سال جاری فرماندهان فئودال معدوم، سرخوردار از پشتیبانی مقامات محلی و ارگانهای دولتی اقدام به پس گرفتن اراضی دهقانان کردند. در سایر این تها و زورگتخانه، دهقانان دست به مقاومت زدند و حاضر نشدند زمینهاشان را اودست بدهند. دادستانی اراک در حمایت از فئودالها دستور بازداشت دهقانان مبارز را صادر کرد. حکم دادستانی اعضاء شورای روستا را روانه زندان نمودند. مقام قضایی اراک دستور داد. در زندان دهقانان مبارز را به حرم مقاومت در سایر فئودالها به شلاق می بندند.

مسئله ممکن و... فئودالها وادامه کاری لازم جهت پیشبرد و محقق حواسنهای مردم ایران می باشد. سحر فعالیت های معاوسها و اتحادیه های ممکن کارگری که دساور دههای مهم، داتنه و حرکتی سازمان یافته و دامنه دار در مبارزه برای سکنی پدید آورد، ضعف و ناسود تشکلهای سکن و فقدان دیگر تشکلهای نوده ای در محلات بر متن مبارزات جاری بسیار ختم گراست. شرایط موجود و ظایف بسیار مهم و سکنی را در برابر فعالین سازمان قرار مدههد. فدائیان خلق با سستی صمن شرکت در حل مشکلات مردم، هرچه که زمینه اعتراض نوده ای وجود دارد با قضا فعال و موثر خود در جهت گسترش این اعتراضات و هدایت سازماندهی و ارتقاء آنها مجذبه بگوشند. تحربه نشان میدههد که همواره افراد فعال و دلشور و مردمی، محصل که در مبارزه جهت حل مشکلات عمومی، پیشقدم هستند نقش بسیار موزنی در راه اعدا حتنس و پیشبرد حرکتی اعتراضی دارند. گوش در جهت یاری گرفتن از این افراد و هدایت آنان، بخصوص در وضعیت فقدان تشکلهای نوده ای اهمیت بسیار دارد.

باید بر زمینه اعتراض مردم و بر متن افشا هرچه وسیعتر سیاستهای حکومت شعارها و برنامه سازمان برای حل مشکل سکن راه میان مردم ببریم و آنها را برای حل مشکلات خویش "محبس سازمان"

نمایندگی کارگران برای اعلام آمادگی، در اداره کل کار و خوار اجتماعات استان آذربایجان شرقی نسبت نام کنند تا انتخابات پس از زنا بید صلاحیت دا وظلمین انجام گیرد. اما اداره کار از میمان کاندیدانها تنها چند نفر را سخته به انجمن اسلامی ولیمین را صاحب صلاحیت اعلام کرد. در این درمهر ماه در محل کارخانه مجمع عمومی کارکنان را تشکیل صورت مایند اداره کار برپا کردند. واکتشاف کارگران در برابر انتخبات فرمایشی این بود که اراری دادن خود را می نمودند. کاندیدایی که از سگزان بیشتر را می آورده بودند تنها ۶۳ رأی داشت.

مبارزه دانش آموزان در اهنگر

مدیرتبا دبیرستان رشته اقتصاد در شهر اهنگر، فردی تهری و مرتجع بود که در سال گذشته به سباه های گوناگون، دانش آموزان را تحت سب وادیت می کرد. در سال جدید دانش آموزان بطور دسته جمعی تصمیم گرفتند تا عزل این مدیر مرتجع، از سب نام درصم دبیرستان خود را می نمایند. نکتات سکلین آموزش و بیوروش اهنگر، درهم شکستن اتحاد عمل مبارزه جویانه دانش آموزان ره بحالی سب، بالاخره به دستور ریاست اداره، دبیرستان مزبور را منحل کردند و دانش آموزان را به دیگر مدارس منتقل کردند. در مدارستان راه که پیش از این نیز با تراکم شید دانش آموزان و زور و بیوروش، جایی برای ایمن دانش آموزان وجود نداشت، از اینرو وقت بعضی از ساعات درسی را برای بعد از ظهر و شب مقرر کردند. در اعتراض به این وضعیت، دانش آموزان یک بار دیگر حرکات اعتراضی را از سر گرفتند و دست به اعتصاب زدند. آنها ضمن اعتصاب در سایر مدرسه بست نشینند. این حرکت اعتراضی دانش آموزان پس از دوروز با پیروزی خاتمه یافت.

در همین شهرستان از سوی سیاه پاسداران فرمی در میان همه دانش آموزان مدارس پارسا سه شهر توزیع شد. این فرم تقاضا نامه برای عضویت در سیاه بود و دانش آموزان خواسته شده بود تا بر ما بید. این اقدام اعتراضی تند در میمان دانش آموزان و والدین آنها را نگیخت. اکثریت دانش آموزان در همان محوطه مدرسه با شام این فرما را باره کرده و دور انداختند. افراد سیاه با اطلاع از واقع، وارد مدرسه شدند. دانش آموزان را تهدید کرده و فرما را طلب کردند. آنها سیاه دانش آموزان را "فدائیان انقلاب" نامیدند. نتیجه تهدیدات آنها این شد که تا سلسله معدودی از فرمایان را که هنوز سالم باقی مانده بود، پسر شده پس گرفتند و دست از باز تر بازگشتند. سئوالات این فرما، نتششین عقا بیداک مسل دعوت آنکارا به جاسوسی و خبرچینی و مداخله بی سرده در جزئی ترین مسائل و مسائل شخصی بود.

کارگران خلق ایران:

کارگران اخراجی را بر گردانید، مدیر عامل را اخراج کنید.

در ساره به پشربه در همین صحنه، خسرو بیدا دهلی کارخانه فخر ایران را در ماههای مرداد و شهریور درج کرده سویم. در آن زمان به دستور مدیر عامل این کارخانه، کارگران راه مرخصی اجاری بدون حقوق فرستاده بودند.

اخبار واصله حاکی است که در ماه مهر، کمی پسر، از آمار محدودی در این کارخانه، حرکت اعتراضی کارگران علیه این صاحب خود ساره و تصمیم غیر- فاسوی مدیر عامل آغاز گردید. کارگران سزای کسب حقوق و خواسته های خود دست از کار کشیدند و در محوطه کارخانه اجتماع کردند. از آنجا که این کارخانه واسه به ارتش جمهوری اسلامی است، جایی، مدیر عامل این واحد تولیدی را کوشید تا تهدید کارگران به کسادن سرازان به کارخانه، آنان را مرعوف ساخته و به کار برانگیزد. اما کارگران با شعار مرگ سسر ساجی در کارخانه دست به راهپیمایی زدند. آنان مطالبات خود را به شرح زیر تنظیم و به اطلاع مطبوس رساندند:

۱- بازگشت ۹۵ کارگر موقت و ۴۰ کارگر سسر اسخدامی، که پیش از این اخراج شده بودند.
۲- دریافت یک ماه حقوق ایام مرخصی اجاری.

۳- اخراج مدیر عامل.
کارگران با بافتناری بر مطالبات خویش موفق شدند. شرط نخست دست یاسد، با این پیروزی اعتصاب خانه بافت و مبارزه سزای اخراج مدیر عامل به اشکال مگرداد.

۴- حدی پس از این اعتصاب، مدیر عامل مدافعی، سئوری میس بر افزایش ساعات کار و روزه ماد در شد. این تصمیم با اعتراض خماکین کارگران و پیروند، انجمن اسلامی گوشید. کارگران از مقاومت ساراداد، با وجود این، کارگران برخی را سبها دست از کار کشیدند. عتدا دا عتفا سکنگان به ۴۵۰ عمومی رسید.
انجمن اسلامی که در طولگیری از اعتصاب یکست حوره بود، این سار فایسوت کبده سبانه خبرچین مدیر عامل عمل کرده و به جاسوسی در میان کارگران پرداخت. در پی آن به دستور مدیریت، ۱۵ تن از کارگران مبارزان کارخانه را دیگری سقل نمودند.

کارگران به کاندیداهای فرمایشی رای نمی دهند. در کارخانه دیزل ایران (واقع در تبریز) هتند در کار می کنند. در این کارخانه از مدتتها قبل مساله اشکال مایند کارگران از مطبوس نوده است. در ناسنای توافق گردید که کاندیداهای

مردم علیه کمک به جبهه‌ها ، علیه اعزام به جبهه‌ها

گسترش تبلیغات سیاسی سازمان و تشبثات رژیم

کار خواست که آمار سال گذشته داوطلبان اعزام به جبهه‌ها از کارخانجات کرج را با آمار مقایسه کند و به بیند که چگونه سیر نزولی طی می‌کند (کلیان ۱۶ آبان ۶۳). شش نفر از کارگران کارخانجات کفین وین ، که به زور به جبهه فرستاده شده بودند با اعتراض آنان و خانواده‌ها هایشان به خانه وکاتانه خود برمیگردند. کارگران ایران یاسا در هفته جنگ حاضر نشدند که ۴ ساعت بخاطر جنگ اضافه کار کنند. در کارخانه البرز از ۴۰۰ نفر کارگر زن تنها ۸ نفر حاضر شدند لیست جمع آوری یک روز حقوق برای ارسال به جبهه‌ها را امضاء نمایند. در کارخانه پارس خودرو کارگران نسبت به ارسال سود ویژه به جبهه‌ها اعتراض نمودند که مدیریت مجبور به پرداخت سود ویژه کارگران شد. در شرکت گلکوز و نشاسته کارگران نسبت به اختصاص یک روز حقوق به جبهه‌ها به اعتراض برخاسته و مسئولین شرکت را مجبور کردند یک روز بجنبه‌ها را بجای آن تعطیل کنند. در کارخانه سیان ایک ، تصفیه رفتی تهران (اسو) کارخانه ورامین شماره ۱ و ۲ و در تعداد دیگری از کارخانه‌ها کارگران حاضر نشدند که حقوقشان جهت کمک به جبهه‌ها ای جنگ کسر شود. ده‌ها نمونه از این رویدادها هر روز در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها اتفاق می‌افتد.

دهقانان از کمک‌های جنسی و مالی به جبهه‌ها خودداری می‌کنند. روستائیان علیرغم فشارهای شدید ماورین فرزندان را راهی قتل‌گاه نمی‌کنند. آنها بدرستی می‌گویند: برای چه جوانان ما به جبهه‌ها بروند، در این صورت زمین‌ها را چه کسی باید بکارد؟ نمونه‌ها حتی از مسالومت دهقانان که در زیر به آن‌ها اشاره می‌کنیم هر روز در روستاهای سرسوسر اتفاق می‌افتد. در روستاهای هولی لان و اردلان از توابع ایلام هر بار که ماورین رژیم برای سرازگیری به روستاها حمله می‌کنند، جوانان برای فرار از دست ماورین به کوه پشساره می‌روند.

در روستای "دهد" از توابع شهرستان اراک، پاسداران همراه بازانداریها سادات مسئولین را بازداشت کرده و بعد از انتقال به اراک زندانی می‌کنند. در زندان به مادران گفته می‌شود که باید محل اختفاء و زندگی فرزندان خود را بگویند، در غیر این صورت هم چنان در سزاداشتی باقی خواهند ماند.

در پارس آباد دهقان سپاه پاسداران مدت‌ها قبضه کرده‌ای از جوانان روستاهای اطراف را درواحد هائی بنام هسته‌های مقاومت روستایی سازمان داده بودند تا برای شرکت در جنگ آنها را بکار کنند. چندی قبل سپاه از اعضا این هسته‌ها می‌خواهد تا برای رفتن به جبهه‌ها ثبت‌نام نمایند. از میان ۴۰۰ نفر عبور نمی‌آیند هسته‌ها که سپاه به آنها مراجعه کرده بود، حتی یک نفر هم حاضر به اعزام به جبهه‌ها نشد.

همه مردم علیه جنگند، زنان دیگر به پشت جبهه‌ها کمک نمی‌کنند. مادران مانع اعزام فرزندان شان به جبهه‌ها می‌شوند، مراسم سوگواری و تشییع جنازه به مرکز ابراز تنفس و آزار مادران نسبت به جنگ تبدیل شده است. زنان در صف خرید و در تجمع‌های مختلف آشکارا سیاست جنگ طلبانه رهبران جمهوری اسلامی را افشاء می‌کنند. شهرها و روستاهای بی‌میلان شده به صحنه اعتراض توده‌های تبدیل شده‌اند. پدران و مادران داغ‌خیزه با کین و نفرت نسبت به ادامه جنگ در تظاهرات شرکت می‌جویند و علیه حکام جمهوری اسلامی شعار می‌دهند.

معلمین و کارمندان در جنبش اعتراضی علیه ادامه جنگ فعالانه شرکت دارند. اعتراض آنان نسبت به کسر حقوقشان برای کمک به جبهه‌ها تشدید می‌شود. ناراضی‌نست به تهدید جنگ در بین پرسنل ارتش و سپاه افزایش یافته است. عده‌ای از کادریهای نظامی با شکل مختلف از رفتن به جبهه‌ها خودداری می‌کنند. استعفا در بین پرسنل ارتش و سپاه چشمگیر است بگونه‌ای که مسئولین مقررات سختی در این بقیه در صفحه ۶

آیت‌الله خمینی در دیدار اخیر سردمداران حکومت با وی بار دیگر ضمن حمله شدید به مخالفین جنگ اظهار داشت که "اگر کسی بگوید ما جنگ نسیم مخالفت‌ن است". وی از جوانان خواست که نسبتاً ناخوش رزیم مدام و استقرار جمهوری اسلامی در عراق بکنند، بلکه "تا آنجا که قدرت دارند نبرد کنند تا فتنه از عالم برود".

آیت‌الله خمینی شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" سده نگرده و شعار "جنگ تا رفع فتنه" در عالم "که از نظر ایشان استقرار جمهوری اسلامی در سراسر جهان است را سرداند. ایشان جنگ را بعنوان بزرگترین رحمت بر مردم نمودند. جنگ را رسالت بزرگ پیامبران تعریف کردند و بطور مشخص جنگ را بعنوان وسیله عمده توسعه اسلام و انقلاب اعلام کردند.

اطهارات اخیر آیت‌الله خمینی بار دیگر آشکارا نشان می‌دهد که ایشان برای دستیابی به آرزوهای خویش و به اصطلاح "دوران انقلاب" و جمهوری اسلامی حاضرند خون میلیون‌ها رن و مرد و پسر و جوان در میدانهای جنگ ریخته شود، شهرها و روستاهای کشور ویران کنند، اقتصاد کشور تخریب شود و زندگی مردم با زهم و حیم تر شود.

جنگ خانمانسوز ایران و عراق تاکنون مناسبت بشمار و فجاج بزرگی را برای مردم رنج‌دیده کشورمان سراز کرده است. مردم بلافاصله و فجاج سع جنگ ویرانگر را با گوشت و پوست خود لمس می‌کنند و به مخالفت و اعتراض علیه آن برمیخیزند. اهداف، شعارها و برنامه‌های جنگ افسروانه رهبران جمهوری اسلامی نزد مردم محکوم است. مردم میهن ما هر روز با فریاد راستی اعلام میدارند که: جنگ را پایان دهید، ما صلح می‌خواهیم!

عواقب اسفبار جنگ بر زندگی روزمره مردم موجب شده است که وسیع‌ترین اقشار جامعه به سوی مبارزه بیشتر در راه قطع جنگ حمله شده و به اشکال مختلف خواهان استقرار جمهوری صلح شوند. در گزارش هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان ما به پلنوم هم‌راه ۶۳ گفته شد: ادامه جنگ با مخالفت و اعتراض روزافزون توده‌های طلق مواجه است. اکنون بدرستی می‌توان از یک جنبش اعتراضی علیه ادامه جنگ سخن گفت که در سراسر میهن گسترش می‌یابد.

این جنبش با اشکال مختلف در بین مردم تجلی می‌یابد. سردمداران رژیم درمی‌یابند دیگر آن روزهای شته که توده‌های مردم به درخواست مسئولین داشته دست به مراکز ناموسیی سپاه وسیع جهت دفع تجاوز رژیم عراق مراجعه می‌کردند و کمک‌های عظیم جنسی و نقدی در اختیار مقامات می‌گذاشتند، سبزی شده است. اقدامات مذبحواحه رژیم برای تامین نیرو و جمع آوری کمک‌های جنسی و نقدی خود گویای این مسائله است.

امتناع جوانان از رفتن به جبهه‌ها رژیم را به اتخاذ تدابیر هرچه شدیدتری وامیدارد. زاندارمیری سپاه پاسداران، شهربانی وسیع محلات نیروی ویمی را برای بدام انداختن جوانان یک‌بار گرفته اند. ماورین رژیم مرتباً برای مسئولین احضار به میفرستند، سخا هار مراجعه می‌کنند، پدرها و مادرها را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند و در مواردی اعضا خانواده را برای تحویل فرزندان شان بازداشت می‌کنند و بعنوان گروگان بگمیدارند. ماورین محل کار، مناطق رفتن و آمد و زودی و خروجی شهرها را کنترل می‌کنند، به سناها، اتوبوسها و دیگر مکانهای تجمع و تردد مردم هجوم می‌آورند تا جوانان را بیکردان از جنگ را به قربانگاه‌ها بفرستند. با وجود این بیگردهای گسترده، جوانان به شیوه‌های مختلف از جنگ ماورین می‌گریزند. رهبران جمهوری اسلامی که برای نیل به اهداف خود افریاسی کردن دانش‌آموزان نیز راه‌های دارند، امروز بیش از پیش خود را درگیر اینها به جبهه‌ها تاوان می‌یابند. با وجود تعهداتی که اردانش‌آموزان برای اعزام به جبهه‌ها گرفته می‌شود، مرتباً از تعداد آنان برای مراجعه بمرکز ثبت‌نام کاسته می‌شود.

کارگران بردارنده مخالفت خود نسبت به ادامه جنگ می‌افزایند. آنان شدیداً در مقابل کاهن دستمزد خود جهت کمک به جبهه‌های جنگ مقاومت می‌کنند. کارگران به جبهه‌ها نمی‌روند و باج بیوشن فرزندان شان به نیروی بی‌سیم می‌شود. این امر آنچنان نمود بارزی یافته که محقق نماینده کرج در مجلس شورا از ورزیر

اخیرا تلاشهای مسئولان و ماوران جمهوری اسلامی برای خنثی کردن فعالیت فدائیان، به ویژه تلاش آنها برای دستیابی به مراکز انتشاراتی و متوقف کردن و از بین بردن تبلیغات سازمان شدت بیما بقه‌ای یافته است تاکنون بخشنامه‌ها دستورالعمل‌های بسیاری از سوی نهادی اطلاع‌اتی و امنیتی رژیم صادر شده که مضمون آنها منع کسب کننده این تلاشهای رژیم علیه سازمان است. از جمله ری شهرت و وزیر اطلاعات و امنیتی جمهوری اسلامی بخشنامه‌ای خطاب به دادستانیها، کمیته‌ها و سپاه پاسداران صادر کرده و از آنها خواسته است که بعلمت تشدید فعالیت فدائیان خلق (اکثریت) اقدامات ویژه‌ای جهت "مشلای کردن" تشکیلات ما بکار گیرند و بقول خود هر چه زودتر تشکیلات فدائیان خلق ایران (اکثریت) را از میان بردارند. دادستانی به اصطلاح انقلاب نیز بخشنامه دیگری صادر کرده و به ارگانهای تابعه خود مقرر شده است:

"اخیراً مشاهده شده است که گروهک اکثریت (ا) علامیه و تراکت در سطح وسیع پخش می‌کنند. لذا تمام ارگان‌های تابعه موظفند که در جهت شناسائی و نابودی آنها اقدامات گسترده‌ای را انجام دهند. اقدامات گسترده‌ای را از میان بردارند. دادستانی به اصطلاح انقلاب نیز بخشنامه دیگری صادر کرده و به ارگانهای تابعه خود مقرر شده است:

ارگانهای سرکوب رژیم برای اجرای این وظایف ضد انقلابی و تبعیگاران به یک سلسله اقدامات دست می‌زنند. از جمله آنها تعقیب و مراقبت برای دستیابی به مسئولان و فعالین سازمان ما را شدت داده اند و همچنین تلاش می‌کنند تا ماوران خود را در صفوف نیروهای سازمان رخنه دهند.

تشهید این قبیل تلاشهای رژیم، حرصاً کوشش‌های آن برای خنثی کردن تبلیغات انقلابی سازمان روشن و قابل فهم است برای کسانی که پیش از هر چیز از اشاعه آگاهی انقلابی در میان توده‌های میلبوسی متعرض هراس دارند در هر چیز میتوانستند تساکت را از این حد نگه دارند و بدینسان اسناد افشاء کننده خود، شاهدیخشی تشکیلات پیشاهنگ طبقه کارگر در میان توده‌ها باشد؟ برای مرتجعینی که تلاشها یکنان برای دستیابی به رهبری و متلاشی کردن سازمان ما عقیم نشده است چه چیزی بیش از بخش وسیع ارگان مرکزی و دیگر نشریات کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) میتواند ما به خشم خود؟ فدائیان خلق تراکتها، اعلامه‌ها و نشریات سازمان خود را در سراسر کشور پخش می‌کنند و شعارهای سازمان ما را در دیوار شهرها و روستاها و بر دیوار کارخانه‌ها و ادارات نقش می‌کنند. فدائیان خلق همچنان که در سخت‌ترین شرایط دربرتو هویشاری و کار بست در سایر ضرورت‌های این وظایف خود را انجام و گسترش دادند، اینک نیز با افزودن دست و هویشاری انقلابی و بکارگیری همه تدا بفرلام جهت مقابله با نیروک‌های کوساکون دشمن، با بررسی مداوم و دقیق روش‌های مختلفی که ارگان‌های سرکوب بکار می‌بندند، و یافتن راه مقابله مناسب با آن ماورین سرکوب رژیم را در اجرای فرامین حکام مستبد تا کام جواد گذاشت.

امروز وفردان نیز باخ فدائیان به دس جنانم و گسترش بیگیرانه وظایف انقلابیان نسبت

با جمع آوری کمک‌های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.

کمک‌های مالی خود را به حساب زیروار بکنید

AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 029 10701 - 650
DR. GERTRAUD ARTNER

با نگاه مکتوبه کنید!

آدرس: اتریش
P1.10
1091 WIEN
AUSTRIA

پیش بسوی جبهه متحد خلق